

مکاشفات عارف ربانی
ابو عبدالله محمد بن عبدالله نقری

در محضر حضرت دوست

ترجمه
المواقف و المخاطبات

گزارش پارسی
دکتر محمود رضا افتخارزاده

سرشناسه:	نفری، محمد بن عبد الجبار، ۳۵۴ق -
عنوان و نام پدیدآور:	المواقف والمخاطبات: شطحيات و مكاشفات عالم رباني ابو عبدالله محمد بن عبدالله نفری / تالیف محمد بن عبد الجبار نفری؛ گزارش پارسی محمود رضا افتخارزاده
مشخصات نشر:	تهران: جامی، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری:	۴۰۰ ص.
شابک:	۹۷۸ - ۶۰۰ - ۱۷۶ - ۰۰۲ - ۰
وضعیت فهرست نویسی:	قیفا
عنوان دیگر:	شطحيات و مكاشفات عارف رباني ابو عبدالله محمد بن عبدالله نفری
موضوع:	عرفان - متون قدیمی تا قرن ۱۴
شناسه افزوده:	افتخارزاده، محمود، ۱۳۳۳ - مترجم
رده بندی کنگره:	۱۲۸۹ م۸۴ ن۷ / ۵ / BP۲۸۲
رده بندی دیویی:	۲۹۷ / ۸۲
شماره کتابشناسی ملی:	۲۰۶۱۵۵۱



خیابان دانشگاه، خیابان وحید نظری شماره ۵۲
تلفن: ۶۶۴۰۰۲۲۳

در محضر حضرت دوست
ترجمه المواقف و المخاطبات
محمد بن عبد الجبار نفری
گزارش پارسی: محمود رضا افتخارزاده
چاپ اول: ۱۳۹۰
شمارگان: ۱۰۰۰ جلد
چاپ و صحافی: سپهر
کلیه حقوق برای انتشارات جامی محفوظ است

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۱۷۶ - ۰۰۲ - ۰
ISBN: 978 - 600 - 176 - 002 - 0

۱۲۵۰۰ تومان

فهرست

۷

گفتار گزارنده

۱۵

کتاب مراقب

۲۵۹

کتاب مخاطبات

www.ketab.ir

گفتار گزارنده!

● ابو عبدالله محمد بن عبدالله نَفَری!

آن ستاره‌ی تابناکِ آسمانِ معنویت نابِ عرفانِ ایرانی! آن گلِ خوش‌بوی گلستانِ اسلامِ ایرانی! آن شکوهِ برآمده از حکمتِ خسروانی، آن ویژه‌ی درون^۱، آن روشنِ دل^۲، آن یگانه‌ی بین^۳! آن عارفِ ربّانی، آن واقف، آن واصل، آن عصاره‌ی عرفانِ صمدانی! آن عابد، آن عالم، آن زاهد، آن خالص، آن مُخلص، آن ولی، آن فانی فی الله سبحانی! آن مُحبّ، آن جلی، آن تجلّی معنویتِ نابِ انسانی! آن خلیفه، آن رفیق، آن حبیب، آن خلیل، آن بصیر، آن علیم، آن موحّدِ اَوْحِدِ رَحمانی! آن رُوح، آن زَمان، آن صادق، آن صَدیق، آن قدّیس جاودانی!

آری! همو! ابو عبدالله محمد پسر عبدالله نَفَری! که فنایش فی الله نام و نشان از او در حیات و ممات محو کرد، که اینک ما از او هیچ نمی‌دانیم! بسا که گنیه و نامش نیز مُستعار باشد! چرا که عبدالله عالی‌ترین مقامِ عرفانی، عِبْدَانِیت است که عارف بدان رسد و آن نام را بر او نهند! و مرا گمان بر همین است!

تنها می‌دانیم که او معاصرِ خَلّاج بوده است و در سده‌ی چهارم مهشیدی (= قمری) می‌زیسته است! روزگاری سرشار از خَرَف، و لبریز از خُون! که تَوَریه و تَقِیه اجتناب‌ناپذیر بوده است!

۱، ۲ و ۳. عناوین عارفان ایرانی در روزگار باستان.

و به یقین می‌دانیم که او شیعی دوازده امامی بوده است. چرا که عقاید شیعی‌اش در سراسر کلامش هویدا است^۱

از پسوند «نُفَری» می‌دانیم که او در دَشْتِکَرْتِ نئی پُور (در قلمرو باستانی ایران، پیش از تازش تازیان) زاده و زیسته است، که تازیان، نئی پُور را تازی سازی (تغریب) کرده و نُفَر^۲ گفته‌اند. نُفَر در سده چهارم مهشیدی از روستاهای کوفه در عراق بوده است! لیک نمی‌دانیم که کئی و در کجا درگذشته است! برخی سال ۳۵۲ یا ۳۵۴ یا ۳۵۹ یا ۳۶۱ مهشیدی را سال درگذشت او دانسته‌اند!

از کلام دل‌انگیز و بس حیرت‌انگیز او نیز درمی‌یابیم که وی ایرانی است، چون حَلَّاج، و به زبان‌های ایرانی آشنا و از حکمتِ اهورایی خُشروانی بهره داشته است! چرا که عناصر بنیادین حکمتِ خُشروانی (= نور و ظلمت) در کلام او هویدا است! این که چرا به تازی گفته و نه به پارسی، به این دلیل که زبان پارسی ژرفای لازم را برای دریافت فُوران‌های سرکش عرفانی ندارد، و او دیگر سو زبان رسای عرفان ایرانی در آن روزگار، زبان رسای تازی بوده است! همین باعث شده تا تازیان او را تازی بدانند! چرا که از همان آغاز، مفاخر ایرانی اسلام را به این دلیل که به تازی نوشته یا سروده‌اند تازی می‌دانند! آنچه از او به ما رسیده، پاره‌ای شَطَحیات و مَکاشِفَاتِ عارفانه‌ی اوست که در خَلُوتِ خویش بر زبان جاری می‌کرده، و در آن سوی پرده‌ها، نوه‌ی دختری یا پسری‌اش مُحَمَّدِبن عَبْدِالْجَبَّارِ نُفَری، گوش می‌داده و آن فُوران‌های سرکش عرفانی را به خاطر

۱. مشخصاً آنجا که قیاس را به تکرار و تاکید، باطل می‌داند! در حالی که قیاس از ارکان فقه و کلام تستن است! آنجا که مَرُده از ظهور مهدی موعود می‌دهد که نخست مسیح از آسمان آید و آنگاه مهدی در مکه ظهور کند و او را به شمار اصحاب بدر، سید و سیزده یاور باشد! و اصولاً سراسر کلامش الزام و اقتباس سبک و سیاق و محتوای کلام امام علی بن ابی‌طالب و ادعیه حضرت سجاد در صحیفه سجاده‌ای
۲. یاقوت حَمَوی در مَعْجَمُالبُلدان ۷۹۸/۲ می‌نویسد: «نُفَر: بَلَدٌ یا قَرْیَةُای است بر کرانه رودخانه النرس (؟) از بلاد قُرُس (= ایران) ... مرحوم دهخدا رودخانه زاس نوشته ولی در معجم‌البُلدان (چاپ لیدن ۱۹۶۵) النرس آمده است! خاورشناسان باختری سامی‌گرا کوشیده‌اند «نی پور» را در ریشه و فرهنگ به «نژاد سام» چسبانند و برایش پیشینه دیرینه «سامی» بجویند! بروکلمان، مارگلیوث، نیگلسون و ماسینیون کوشیده‌اند تا برای «نفر» = «نی پور»، ریشه عبری بیابند! ن: ک:

American journal of Atchueology, No. 4. vol.x. October, 1895. pp. 439-4410 + J.P. Peters; Notes and suggestions on the early sumerian religion... (ISTOR. Vol. 41. pp. 131-149).

می سپرده است!

● محمد بن عبد الجبار نفری!

شگفتا که از او نیز نام و نشانی نداریم! چرا که او نیز عارف بوده و در روزگارِ خَوْف و خُون می زیسته و عارفانِ روزگارش را نام و نشانی بر جای نبوده است! به هر روی، همو بوده که شَطَحِیَّات و مُکاشَفَاتِ نیای خویش را از حافظه نوشته و بر آنها نامِ مَوَاقِف و مُخاطَباتِ هِشْتَه که به حَق، اسم و مُسَمَّا یکی است! گویا که وی نوهٔ دختری یا پسری ابو عبد الله بوده است، لیک پیداست که او آواره بوده و این واقعیت را نگارشِ مُخاطَبات به روشنی نشان می دهد: در پایانهٔ مخاطبهٔ ۱۷ آمده است که این فرازا در سال ۳۵۳ مهشیدی بر کَرانهٔ نِیل نوشته شده! و در پایانهٔ مخاطبهٔ ۲۵ آمده که این فرازا در محَرَم سال ۳۵۳ مهشیدی در روستای نی پور (= نَفَر) نوشته شده است!

آوارگی و هول و هراس حاکم بر آن روزگار، در آشفتگی و نابسامانی اثر، کاملاً مشهود است، چرا که در مَوَاقِف و مخاطبات، هیچ گونه نظم و ترتیب موضوعی وجود ندارد! علاوه بر پریشانی و آشفتگی موضوعی، تکرار و نارسایی ها فزون است! و این نشان می دهد که مؤلف از حافظه می نوشته و در جایی ثبات و قرار نداشته، از دیاری به دیاری دیگر می کوچیده تا از گزندِ گزندگانِ خلافت و تیغِ تکفیرِ فقیهانِ شریعت جان بدر برد!

و نیز ندانیم که محمد بن عبد الجبار، کُنی و کُجا در گذشته است! برخی سال درگذشت او را ۳۷۵ مهشیدی نوشته اند!

به هر روی، کتاب شریف المواقف والمخاطبات، به نام وی در تاریخ ادبیات عرفان ایران و اسلام ثبت شده است!

● عرفان نفری!

پیش از هر چیز، عرفان نفری، به تمامی معنای کلمه، عرفانی مُتَشَرُّعانه است که در آن حُلُول و اِتِّحَاد جایی ندارد، بلکه نقد و نفی شده است! در عرفان نفری حُدُودِ شریعت مَلْحُوظ، و قلمرو آن معلوم، و اوامر و نواهی آن مُطَاع، و ثواب و عقاب آن، ثابت

● معرفت، علم و جهل!

عرفانِ یَفْرِی بر معرفت استوار است و اشارت مکرر او به علم، احکام شرع است، لیک به علوم عقلی و نقلی توجه دارد! جهل نیز مقوله ویژه‌ای در عرفان نفیری است؛ جهل حقیقی، ایمان است! منظور از جهل حقیقی، عاری بودن مطلق قلب از رُسوم و تَعَلُّقاتِ عُلومِ عقلی و نقلی است. چرا که علوم، رَشم و حِجاب است. آن سان که معرفت، اگر علم معرفت شد، حجاب است! معرفت و علم و جهل، همه حَرَف اند و حَرَف، رَشم است و رَشم حجاب است. معرفتِ حقیقی یا حقیقتِ معرفت، معرفتِ حضرت حق است، یعنی معرفتی که به وَقْفه و رُؤیت انجامد: «نشانِ معرفتم، یقین بُود که از من و معرفتم نپرسی! آنک که معرفتم را از اسم یا حرف یا علم گرفتی، بدان که این علم معرفت است! چرا که معرفت به مَحْضِ رُسوم انجامد و آنچه مَحْض شود آن را بقا بُود، جز در مقام وَقْفه که به بقای پس از فنا رسد! صاحبِ معرفت، مقیمِ معرفت بُود که خبر ندهد! چرا که آنچه منقول و مکتوب بُود، معرفت نبود! هان که اصحابِ علمِ شرع، اصحابِ عملِ صالح اند که یا به طمع بهشت بُود یا از ترسِ دوزخ! از رُسومِ معرفت به من پناه برا چرا که حق با مَحْضِ رُسوم تَحَقُّق یابد! من بر سرِ راه عقاید ثقلی و عقلی ننشسته‌ام تا هر که با عقل یا ثقل، قَضَد کند، مرا ببندد!»

● المواقف و المخاطبات!

تقدیر چنین بود تا این میراث گرانقدر عرفانی، از توفانِ حوادث روزگار بگذرد و به تاریخ سپرده شود و چنین شد! این کتاب شامل ۷۷ موقف و ۵۶ مخاطبه است! مرحوم آرتور. جان. آربری، کتابدارِ کتابخانه کمبریج. انگلستان. در سال ۱۹۳۴ میلادی، برای نخستین بار، این کتاب شریف را احیاء و به جهان معاصر معرفی کرد. او با دستیابی بر

۱. گویا مرحوم پرفسور رونالد نیکلسون در سال ۱۹۱۴ میلادی کتاب المواقف را با ترجمه‌ی انگلیسی آن منتشر کرده است! ن. ک.

هفت نسخه خطی، متن انتقادی قابل قبولی از این اثر ارائه نمود!^۱
گزارش پارسی این میراث گرانقدر عرفانی، براساس نسخه مرحوم آربری (چاپ
۱۹۳۴. لندن) و شرح المواقف عَفِیفُ الدِّینِ تَلَمَّسَانِی (۶۹۰ - ۶۱۰ ه. چاپ ۱۹۹۵ م.
قاهره) صورت گرفته است!

محمودرضا افتخارزاده

تهران

سوم اسفندماه ۱۳۸۸ خورشیدی

هفت ربیع الاول ۱۴۳۱ هجری

www.ketab.ir

۱. مشخصات نسخه‌های خطی مورد استفاده مرحوم آربری عبارتند از:
۱- نسخه خطی / شماره ۸۸ / کتابخانه گوته (؟) مکتوب به سال: ۵۸۱ هجری.
۲- نسخه خطی / شماره ۱۶۶ / کتابخانه بودلیان. اکسفورد. / مکتوب به سال: ۶۹۴ هجری.
۳- نسخه خطی / شماره ۵۹۷ / کتابخانه هند (؟) / مکتوب به سال ۱۰۸۳ هجری.
۴- نسخه خطی / شماره ۱۱ / کتابخانه تیموریه. مصر / مکتوب به سال ۱۱۱۶ هجری.
۵- نسخه خطی / شماره ۴ / کتابخانه بودلیان. اکسفورد / بدون تاریخ.
۶- نسخه خطی / شماره ۶۳۸ / کتابخانه لیدن / بدون تاریخ.
۷- نسخه خطی / شماره ۵۵۴ / کتابخانه بودلیان. اکسفورد / بدون تاریخ.
مرحوم آربری، شرح المواقف عَفِیفُ الدِّینِ تَلَمَّسَانِی را نیز در اختیار داشته است. در یک سامانه اینترنتی تازی، از یک نسخه خطی المواقف، مکتوب به سال ۶۶۳ هجری یاد شده که در ایران نگهداری می‌شود. ن. ک: سامانه‌ی: المخطوطات العربیة المصوّرة من ایران. مُلتَقَى اهل الحدیث (؟)